



یادداشت

مردم تا آزادی همه زندانیان سیاسی از پای نخواستند نشست!
صادق کار



رژیم مجبور شد تحت فشار جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و فشارهای خارجی تعدادی از زندانیان در بند را تحت عنوان "عفو" آزاد کند. اما تعداد آزاد شدگان بخش کوچکی از زندانیان را شامل می شود و در مقیاس با ۲۰ هزار نفر زندانی رقم ناچیزی محسوب می شود. در عین آزادی این تعداد اما مرتب اخبار و گزارشاتی از احضار، بازداشت و تأیید احکام تعدادی از مبارزان جنبش انقلابی و فعالین نهادهای مدنی و سندیکایی منتشر می شود که با ادعای "عفو" رهبر جنایتکار رژیم علی خامنه‌ای و ادعاهای مقامات قضایی مغایرت دارد.

پس از اعتراضات گسترده علیه سرکوب و در زندان نگه داشتن بالغ بر ۲۰ هزار نفر از جوانان، روشنفکران، معلمان و کارگران و هنرمندان و ورزشکاران، وکلا، دانشجویان و دانش آموزان و روزنامه نگاران رژیم مجبور شد تحت فشار جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و فشارهای خارجی تعدادی از زندانیان در بند را تحت عنوان "عفو" آزاد کند. اما تعداد آزاد شدگان بخش کوچکی از زندانیان را شامل می شود و در مقیاس با ۲۰ هزار نفر زندانی رقم ناچیزی محسوب می شود. در عین آزادی این تعداد اما مرتب اخبار و گزارشاتی از احضار، بازداشت و تأیید احکام تعدادی از مبارزان جنبش انقلابی و فعالین نهادهای مدنی و سندیکایی منتشر می شود که با ادعای "عفو" رهبر جنایتکار رژیم علی خامنه‌ای و ادعاهای مقامات قضایی مغایرت دارد. برای آرش صادقی حکم تازه پنج سال زندان صادر می شود، حکم ۹ سال زندان سعید مدنی تأیید می شود، خبری از آزادی سپیده



قلیان، نرگس محمدی، آتنا دایمی، اسماعیل عبدی، رسول بدایق، رضا شهابی، داود رضوی، حسن سعیدی و دو سندیکالیست فرانسوی هم پرونده‌ای آنها و خیلی‌های دیگر نیست. بهمین جهت به نظر می‌رسد حکومت مایل به آزادی افراد معینی از زندانیان سیاسی و مدنی نیست. بهمین دلیل افزایش مبارزه برای آزادی همه زندانیان سیاسی اهمیت زیادی پیدا کرده و نباید گذاشت رژیم به بهانه عده‌ای گروه دیگری را در اسارت نگه دارد.

بعضی از مقامات قضایی وعده آزادی عده زیادی از مبارزان آزادیخواه در بند تا پایان بهمن را داده‌اند. کما اینکه هنوز صحبتی از آزادی رهبران سندیکایی کارگری و معلمان که تعدادشان بیش از ده نفر است نیست و اکثر آنهاپی هم که آزاد شده‌اند مدت زیادی از محکومیت هایشان یا باقی نمانده بود و یا هنوز حکمی نگرفته بودند. سخنگوی قوه قضایی که سهم بزرگی در سرکوبها و محکومیت ها و جان باختگان زندانی را دارد برای اینکه خود را از تک و تا نیندازد آزادی زندانیان را مشروط به دادن تعهد و توبه نامه کرده بود. با این حال معلوم شد که نه تنها کسی با دادن تعهد آزاد نشده بلکه بعضی از زندانیان نیز بنا به گفته خودشان با زور از زندان بیرون فرستاده شده‌اند.

در عین حال خبر مقاومت و مبارزه در میان زندانیان در بند بسیار وسیع است و گزارشات مستندی که از مبارزات درون زندان ها می رسد بسیار امید بخش است. در هر صورت آزادی شمار قابل توجهی از زندانیان سیاسی و مدنی ربطی به "عفو" ندارد و متاثر از فشار جنبش انقلابی، زن، زندگی آزادی، فشارهای بین المللی ناشی از اعتراضات و فعالیتهای همه روزه ایرانیان ساکن در کشورهای مختلف و نداشتن جا و امکان کافی برای در زندان نگاه داشتن ده ها هزار زندانی سیاسی که زندانها را نیز تبدیل به میدان مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری کرده‌اند. حال و هوای زندانیان و جو حاکم بر زندانها را به خوبی از سرود خوانی تازه آزاد شدگان که به محض آزادی در مقابل زندانها شعارهای ضد حکومتی می دهند می شود درک کرد. اگر بگوییم زندانها و شکنجه خانه های رژیم توسط مبارزان زندانی فتح شده و زندانبانان و شکنجه گران از زندانیان شکست خورده‌اند پر بیراه نگفته‌ایم. مردم مبارزان زندانی خود را رها نکرده و نخواهند کرد و تا رهایی همه آنها از پا نخواهند نشست. آن که باید عفو کند مردم هستند و آنکه باید محاکمه و زندانی شود علی خامنه‌ای و زندانبانان و سرکوبگران مردم هستند

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!

همه با هم علیه سرکوب جنبش انقلابی سراسری متحدانه مبارزه کنیم!

تضمین اشتغال یا درآمد حداقل؟ بخش چهارم کار و درآمد در کشورهای در حال توسعه جرمی سیکینگز



آموزش، بازآموزی، و ارائه اطلاعات: جزئی حیاتی از برنامه‌ت‌ا.

در پایان سال ۲۰۰۴، قانون تضمین اشتغال در پارلمان هند به تصویب رسید. این قانون حداقل صد روز کار با دستمزد حداقل را در بخش عمومی برای یک نفر از هر خانوادهٔ تهیدست در هند تضمین می‌کند. هزینهٔ ناخالص این قانون، هرگاه در سطح ملی به اجرا درآید، بین ۶ تا ۹ میلیارد دلار آمریکا یا بین ۱ تا ۱.۶ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد می‌شود. اما این طرح جایگزین بسیاری از طرح‌های موجود می‌شود، به نحوی که هزینه اضافی آن کمتر این مقدار خواهد بود؛ خاصه این که نه به یکباره، بلکه به صورت مرحله‌ای به اجرا درخواهد آمد.

تجارب تضمین اشتغال و تضمین معیشت در جنوب جهانی - ادامه

اکثر این طرح‌ها موقتی بودند. در برزیل، برنامه کار ویژهٔ شمال شرق به مدت دو سال (از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰) اجرا شد و در اوج آن در پایان سال ۱۹۹۸ تقریباً ۱.۲ میلیون کارگر به کار مشغول شدند. اما اگر مواردی که وضعیت اضطراری ادامه می‌یافت، برنامه‌ها نیز می‌توانستند طولانی‌تر شوند. برنامه "به سوی کار" (تراباجار) در آرژانتین در سال ۱۹۹۷ آغاز شد. این برنامه به طور متوسط ۴۰۰ هزار نفر را به مدت پنج ماه استخدام می‌کرد، و در مدتی که ادامه داشت تقریباً یک پنجم افراد مورد نظر، یعنی تهیدستان بیکار، را شامل شد. وقتی بحران در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۲ در این کشور عمیق‌تر شد و جمعیت زیر خط فقر ناگهان به ۲۰ درصد جمعیت افزایش یافت، برنامه "نان آور خانواده" به جای برنامهٔ مذکور نشست که به ۲ میلیون خانوار پول نقد پرداخت می‌کرد. این برنامه به سرپرستان خانوارهای بیکار دارای فرزندان تحت تکفل یا بزرگسالان معلول پول نقد پرداخت می‌کرد. البته برنامه بخش تأمین شغل نیز داشت و شرکت کنندگان در این بخش می‌بایست ۲۰ ساعت در هفته روی پروژه‌های مفید اجتماعی کار کنند. بوتسوانا نیز در سال ۱۹۹۲-۱۹۹۳ یک برنامه تضمین معیشت به ازای کار معین را پیشه کرد که برای ۷ میلیون نفر در کشوری با جمعیت کم شغل فراهم می‌کرد.

برخی از این برنامه‌ها به پاسخی دائمی به فقر تبدیل شدند. معروف‌ترین برنامهٔ تضمین اشتغال در جنوب در جریان یک خشکسالی شدید در اوایل دههٔ ۱۹۷۰ در ایالت ماهاراشترا در هند آغاز شد. جمعیت رو به



رشد ماهاراشترا در اوایل دهه ۱۹۹۰ به ۸۰ میلیون نفر می رسید (یعنی تقریباً دو برابر آفریقای جنوبی). طرح تضمین اشتغال ماهاراشترا فرصتهایی را برای کارهای ساده و دستی در پروژه‌های زیرساختی روستایی در مقیاس کوچک فراهم کرد. به موجب این برنامه اشتغال هر فرد بالغ ۱۸ ساله یا بیشتر در مناطق روستایی تضمین می شد؛ اگرچه در عمل این هدف محقق نشد. کار بایست در نزدیکی محل سکونت متقاضی عرضه می شد، اما متقاضی در انتخاب نوع کار یا مکان دقیق آن اختیاری نداشت. تا اواسط دهه ۱۹۸۰ دستمزدها کمتر از حداقل دستمزد رسمی بود، اما به موجب حکم دادگاهی در سال ۱۹۸۵ افزایش دستمزدها به سطح حداقل دستمزد لازم آمد. این برنامه از اواسط دهه ۱۹۷۰ تا اواخر دهه ۱۹۸۰ برای ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر در سال کار ایجاد می کرد که به طور متوسط برابر ۵ تا ۱۰ روز اشتغال در سال برای هر نیروی کار روستایی در ماهاراشترا بود. این متوسط به ازای هر شرکت کننده واقعی خیلی بیشتر از این بود. اگرچه برنامه ماهاراشترا در تمام طول سال جریان داشت، اما تقاضا برای استخدام اضطراری فصلی بود و در ماه های خشک تابستان به اوج خود می رسید. یک سری از مطالعات نشان داد که این برنامه، که بهبود معیشت تهیدستان را هدف قرار داده بود، حتی با احتساب درآمدهای از دست رفته شرکت کنندگان در آن، در واقع نیز فقر را کاهش داد.

برنامه ماهاراشترا راه را برای اجرای طرح تضمین اشتغال ملی در سال ۱۹۸۳، با هدف تضمین ۱۰۰ روز کار در سال برای هر خانوار روستایی بدون زمین در سراسر هند هموار کرد. اشتغال ایجاد شده در چارچوب این برنامه ملی در اواخر دهه ۱۹۸۰ با حدود ۳۰۰ میلیون "نفر-روز" در سال به اوج خود رسید. دومین برنامه ملی اشتغال روزهای کاری اندکی بیشتر در سال را تضمین می کرد. در سال ۱۹۸۹ این دو برنامه ملی در برنامه ترکیب شدند که برخی محققان آن را "شاید بزرگترین (Jawahar Rozgar Yojana) "جواهر روزگار یوجانا برنامه اشتغال در جهان امروز" توصیف کرده اند. این برنامه حدود ۸۰۰ میلیون نفر-روز کار در سال، یا به طور متوسط بین ۱۵ تا ۳۰ روز کار در سال را برای هر شرکت کننده فراهم کرد. بیشتر مشاغل این برنامه شبیه ماهاراشترا مشاغل فصلی بودند. علاوه بر این برنامه، در برخی از ایالات، از جمله در کارناتاکا و بنگال غربی، غالباً به دلیل ناکافی بودن برنامه ملی برنامه های دیگری نیز در بخش عمومی روستایی وجود داشتند.

در پایان سال ۲۰۰۴، قانون تضمین اشتغال در پارلمان هند به تصویب رسید. این قانون حداقل صد روز کار با دستمزد حداقل را در بخش عمومی برای یک نفر از هر خانواده تهیدست در هند تضمین می کند. هزینه ناخالص این قانون، هرگاه در سطح ملی به اجرا درآید، بین ۶ تا ۹ میلیارد دلار آمریکا یا بین ۱ تا ۱.۶ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد می شود. اما این طرح جایگزین بسیاری از طرح های موجود می شود، به نحوی که هزینه اضافی آن کمتر این مقدار خواهد بود؛ خاصه این که نه به یکباره، بلکه به صورت مرحله ای به اجرا درخواهد آمد.

برنامه غذا به ازای کار در بنگلادش نیز، که در اوایل دهه ۱۹۷۰ به اجرا درآمد، به طور مشابهی گسترش یافت و تا اواخر دهه ۱۹۸۰ تقریباً ۱۰۰ میلیون نفر-روز در سال شغل ایجاد کرد. مطالعات در باره این برنامه به این نتیجه رسیدند که آن نیز به خوبی هدف گذاری شده بود و فقر را به طور قابل توجهی کاهش داد.

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی!



جایی برای منعطف سازی مگر باقی گذاشته‌اید؟

صادق



روزنامه دنیای اقتصاد که از رسانه های مدافع اقتصاد نئولیبرالیستی است بعد از افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان دولت و در بحبوحه مذکرات افزایش دستمزد کارگران در شورای عالی کار در مقاله‌ای که با عنوان "تغییر پارادایم در افزایش حقوق ها بررسی شد" منتشر کرد از "مدل منعطف تعیین دستمزد" که به نوشته این روزنامه توسط دو نهاد پژوهشی ارائه شده خبر داد

خلاصه این پژوهش که به مذاق نویسنده مقاله هم به نظر می رسد خوش آمده باشد این است که "افزایش دفعی دستمزدها در شرایط تورمی منجر به بروز آثار منفی مانند تعدیل کارگران، انحلال کسب و کارهای کوچک و افزایش قیمت ها می شود و بهتر است ابتدا دولت بر کاهش تورم متمرکز شود..." در قسمت دیگری از نوشته به پیشنهاد های مرکز پژوهش های مجلس اشاره می کند که ناظر بر اصلاحات تدریجی در نظام پرداخت کشور و تعیین افزایش حقوق در قوانین است

در هیچ کدام از پژوهش های مورد اشاره روزنامه دنیای اقتصاد هیچ چیز تازه ای وجود ندارد. عین همین حرف ها را پارسال همین موقع مطرح و در مورد دستمزد سال گذشته اعمال کردند. بهانه ها هم عینا همین های بود که نویسندگان در گزارش های شان ذکر کرده اند

اصلا در طول ۴۴ سال گذشته به استثنای سال ۵۸ که دستمزدها را به اندازه نرمال افزایش دادند، مگر کدام سال دست مزدها را بطور "دفعی" افزایش دادند که امسال بخواهند این کار را بکنند؟ هم اکنون نیز و پیش از انتشار این پژوهش های سفارشی دولت با افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان شاغل و بازنشسته یعنی افزایشی کمتر از نیمی از تورم عمل کرده است. به عبارتی معنی منعطف سازی نزد دولتمردان و پژوهشگران مدافع سیاست های تعدیلی فقر آور دستمزد ۲۶ در صد



کمتر از نرخ تورم رسمی است! این پژوهشگران فکر نکرده‌اند کارکنان دولت که هم اکنون هم هشت شان گروی نه شان است، این ۲۶ درصد کسری را از کجا بیاورند؟ و اصولاً مگر جایی برای منعطف سازی دستمزدهای زیر خط فقر بای گذاشته شده است. انعطاف به چه دلیل باید از طرف کارگران نشان داده شود؟ چرا کارفرمایان نباید از خود انعطاف نشان دهند

می گویند در شرایط تورمی نباید دستمزد ها را افزایش داد. گذشته از اینکه افزایش دستمزدها نقش چندانی در افزایش تورم ندارد، الان ۴۴ سال است تورم دو رقمی است و دستمزدها بعضی سالها بکلی اضافه نشده و در سالهایی هم که شده کمتر از نرخ تورم و هزینه‌ها بوده است. امسال هم که صحبت از ابر تورم می شود با این احوال چند سال دیگر کارکنان و کارگران باید انعطاف نشان دهند، گرسنگی بکشند و تقاضای افزایش دستمزد نکنند تا شاید دولتی بیاید که بتواند تورم را کاهش دهد؟

اصلاً این چه منطقی است که تاوان تورم را همیشه باید حقوق بگیران بدهند و سود آن را صاحبان سرمایه و کسانی که حقوق ۶۰ میلیونی می گیرند ببرند؟ صاحبان کار که تورم را روی قیمت کالاها و خدمات شان می کشند و آن را از مصرف کنندگان می گیرند. تورم هم که بالا می رود به همان نسبت ارزش سرمایه های ثابت شان با لا می رود. اما وقتی که نوبت به حقوق مزدبگیران می رسد فریاد و تورم این جماعت و دولتی ها از هر سو بلند می شود. بازنده تورم کارگران و حقوق بگیران هستند که هیچوقت در این کشور حقوق شان حتی به اندازه تورم زیاد نشده است.

در قسمت دیگری از پژوهش با گفتن تعطیل شدن کسب و کارهای کوچک در اثر افزایش دستمزدها هم سعی می شود نیروی کار را از بیکاری بترسانند و هم استدلالی پیش کشیده می شود که خلاف واقعیت است.

اگر صفحات روزنامه ها پر نبود از شکایات کسبه از بی رونقی و کساد و نصف شدن درآمد، در اثر سقوط قدرت خرید مردم، شاید عده‌ای فریب این ادعا را می خوردند. ولی آنچه ما می بینیم و میشنویم نشان می دهد که کسبه، خاصه خرده پاها و متوسط ها همه از اینکه قدرت خرید مردم مزد و حقوق بگیر آنقدر کم شده که باعث بی رونقی کار و کسب آنان شده به شدت ناراحت اند و طبعاً نمی توانند با افزایش حقوق ها به حدی که باعث قدرت خرید مزدبگیران شوند مخالف باشند و نجات از ورشکستگی را در گرو بهبود قدرت خرید حقوق بگیران می دانند. می خواهیم بگویم بخش وسیعی از کسبه خرد و متوسط و حتی متوسط به بالا در این زمینه با سرمایه داران بزرگ متشکل در اتاق بازرگانی در منجمد کردن دستمزدها موافق نیستند چون در آمد شان به سطح درآمد مزدبگیران وابسته است. اتفاقاً فشارهای مالیاتی دولت نیز بیشتر روی دوش حقوق بگیران و این گروه هاست و نه سرمایه داران و تجار بزرگ رانته متشکل در اتاق بازرگانی که علاوه بر شراکت در قدرت دولتی صاحب اتحادیه هستند و امکانات رسانه‌ای قوی برای دفاع از منافع شان دارند. در اتاق بازرگانی آن سیاستهای دنبال می شود که بسود دانه درشتهاست و منافع کاسبکاران خرد در آنجا محلی از اعراب ندارد.

انتشار پژوهشهای سفارشی این چنین در هنگام تعیین دستمزد و بازتاب آنها نه بخاطر داشتن نکات تازه که برای تاثیر گذاری روی افکار عمومی به منظور توجیه سیاستهای است که موجب فقر و فلاکت بیشتر سطح رفاه حقوق بگیران شده است. این قسم پژوهشها شاید در گذشته که تبعات فاجعه بار رهنمودهای مندرج در آنها هنوز برای مردم روشن نشده بود می توانست اثری داشته باشد، اما اکنون به خشم و اعتراض بیشتر مردم دامن می زند.



کارگران و کارمندان زیر بار حقوق های مصوب مجلس و دولت ستمگر که به زحمت کفاف ۱۰ روز از زندگی شان را می دهد نخواهند رفت. روزها و هفته ها ی آینده را شاهد می گیرم

حقوق و دستمزد در بیشتر کشورهای خاورمیانه و غرب آسیا دو تا سه برابر دستمزد کارگران ایران است. در ترکیه دستمزد بیش از دو برابر ایران است. تورم که بالا رفت کارگران دست به اعتراض زدند و دولت هم حقوق ها را در ترکیه بالا برد. ترکیه نفت و گاز هم ندارد. اما هم دستمزدها در آنجا بالاتر از ایران است و هم تولید به صرفه است. در خیلی از کشورها هم قضیه همین طور است. در این صورت چطور می شود که در آن کشورها با وجود دستمزد دوبرابر ایران و قیمت چند برابر انرژی سود برد اما در ایران نمی شود؟ از چند حالت خارج نیست، یا سرمایه داران در مورد سود و زیان شان دروغ می گویند، یا عیب و اشکالی در مدیریت شان وجود دارد و یا دنبال سودهای مضاعف و غیر متعارف هستند.

منعطف سازی کلید واژه پیروان اقتصاد نئولیبرالیسم اقتصادی برای تعدیل های پیاپی و مستمر علیه حقوق نیروی کار است که سود و ثروت صاحبان سرمایه را افزون و سطح رفاه نیروی کار را به حداقل ممکن می رساند و به توسعه فقر و فلاکت می انجامد. وضعیت اکثریت بزرگ کشور ما عمدتاً حاصل اجرای همین "منعطف" سازی های ده ها ساله است

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!

از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت تحمیلی حمایت می کنیم!

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!





جبران غارت صندوق های بازنشستگی از جیب کارگران

صادق



بخش عمده سرمایه های اندوخته شده در صندوق های بازنشستگی توسط دولت‌ها غارت و یا خرج هزینه‌های دولتی شده‌اند یا توسط مدیران دولتی حیف و میل شده‌اند. حیف و میل‌هایی که هنگام ریاست سعید مرتضوی قاتل و از نور چشمی های خامنه‌ای از پرده بیرون افتاد تنها یک نمونه از دزدی های انجام شده در صندوق تامین اجتماعی است.

بحران صندوق‌ها بجایی رسیده که دیگر قادر به انجام تعهدات خود نیستند. از همه بدتر و بحرانی تر وضعیت صندوق تامین اجتماعی است که سلامت و امنیت نیمی از جمعیت کشور را دچار مخاطره کرده است.

وضعیت صندوق کارکنان کشوری و دیگر صندوق ها نیز کم و بیش شبیه صندوق تامین اجتماعی است. هیچکس به درستی از رقم بدهی دولت به تامین اجتماعی اطلاع دقیقی ارائه نمی دهد، امارهای تا کنون ارائه شده بعضا تفاوت‌های زیادی با هم دارند. آخرین آمار بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی ۶۰۰ هزار میلیارد اعلام شده است. این آمار اگر درست باشد تنها مربوط به پولهایی است که طی ۴۴ سال گذشته بدون وقفه از صندوق تامین اجتماعی برداشته شده است و شامل حق بیمه های داده نشده دولت که خودش به تنهایی رقم کلانی را تشکیل می دهد نمی شود.

نتیجه غارت اموال این شده که حتی هزینه داروی سرما خوردگی را هم دیگر تامین اجتماعی نمی پذیرد، پول برای همسان سازی می گویند ندارند و حقوق های بازنشستگی به زحمت کفاف ده روز از هزینه های زندگی را می دهد. با این اوصاف دولت نه تنها از دادن بدهی های نجومی خود طفره می رود بل که همچنان مشغول غارت صندوق تامین اجتماعی است.

سیاست دولت تا مدتی پیش بیشتر برای جبران غارت صندوق های بازنشستگی کاستن از خدمات و افزایش سهم کارگران و بازنشستگان برای درمان و دارو، منجمد کردن سطح حقوق های بازنشستگی و کاهش کیفیت خدمات و ادغام صندوق ها با یک دیگر بوده است.



ابداع بیمه تکمیلی که در واقع چیزی غیر از خصوصی سازی بخشی از خدمات تامین اجتماعی نیست یکی از این ترفندها است. هدف از ابداع بیمه تکمیلی در واقع افزایش بخش بیشتری از هزینه های درمانی و بیمارستانی به عهده خود بیمه شدگان و باز کردن پای شرکتهای بیمه خصوصی در تامین اجتماعی بود. دولت با گماردن مدیران دولتی بر راس صندوق تامین اجتماعی و دیگر صندوق ها هر جور که می خواست از اندوخته های صندوق ها سوء استفاده می کرد، اما هیچ کدام از اقدامات نامبرده هم نتوانست از افلاس روز افزون صندوقها توسط بشود

حالا اما دولت تلاش دارد با سه اقدام تازه به حساب کارگران دزدی های ادامه دار خود از صندوق ها را جبران کند و خیال خود از بابت بدهی هایش به صندوق ها را راحت نماید

دولت با افزایش دوسال به سن بازنشستگی، حذف بازنشستگی زودرس در کارهای سخت و زیان آور و کاهش سطح حقوق های بازنشستگی می خواهد خسارات مالی هنگفتی را که به صندوق ها وارد کرده به حساب کارگران جبران کند

این اقدامات به واقع دست پخت مشترک دولت و شورای اتاق بازرگانی است که بهانه های مسخره ای هم برای توجیه آن مطرح می کنند

بعنوان نمونه ادعا می شود که بجای بازنشستگی زود هنگام در کارهای سخت و زیان آور شرایط ایمنی را بهتر می کنیم! یعنی خودشان هم قبول دارند که شرایط ایمنی و بهداشت در محیط های کار خراب و در واقع فاجعه بار است و سال به سال هم آمارهای رسمی نشان داده که فاجعه بارتر شده است

اما اولاً ایمن سازی محیط های کار یک وظیفه قانونی و جزء حقوق نیروی کار است، ثانیاً در بسیاری از مشاغل هم چون معادن، فولاد، آتن نشانی، بیمارستان و... بازنشستگی زودرس گذشته از اینکه ایمنی و بهداشت تا چه حد رعایت بشود و نشود از الزامات چنین مشاغلی است

بازنشستگی زود هنگام در بسیاری از کشورها که ایمنی و بهداشت محیط کار مطابق با استانداردها شناخته شده در آنها رعایت می شود برای بسیاری از مشاغل اجباری است

یکی دیگر از عوامل تضعیف بنیه مالی صندوقها که تقصیر آن مشترکاً بر عهده دولت و کارفرمایان است خارج کردن بخش عمده کارگران و دیگر مزد و حقوق بگیران از شمول قانون کار می باشد که شمار زیادی از آنها را بیمه نمی کنند

عدم پرداخت سهم بیمه کارگران به صندوق و بخشودگی پیاپی آن توسط تامین اجتماعی و همچنین خود دولت از دیگر علل تضعیف بنیه مالی صندوق تامین اجتماعی است

با این اوصاف حتی اگر اقدامات دولت برای تغییرات نامبرده هم به اجرا درآید مادامی که غارت صندوق ها ادامه داشته باشد و بدهی های نجومی دولت به صندوق تامین اجتماعی بازگردانده نشود و مدیریت صاحبان واقعی تامین اجتماعی بر تامین اجتماعی جای مدیریت دولتی را نگیرد، نجات تامین اجتماعی و دیگر صندوق ها از ورشکستگی و افلاس میسر نخواهد شد. متأسفانه با وجود این سیستم فاسد و ضدکارگری نجات و احیای تامین اجتماعی و به تبع آن نجات بیش از نیمی از جمعیت کشور که حیات و ممات آنها وابسته به بقای تامین اجتماعی است دور از تصور می نماید، در هر حال ورشکستگی تامین اجتماعی پیامدهای ناخوشایند بسیاری برای کل جامعه حتی برای آن کوتاه بین هایی که بخاطر سود افزایی بیشتر در تضعیف مداوم این مهمترین نهاد اجتماعی و رفاهی تلاش کرده و می کنند خواهد داشت. با این همه نجات تامین اجتماعی بیش از همه منوط به میدان آمدن کارگران و بازنشستگان و همه کسانی دارد که امنیت آینده شان با بقا و کارایی تامین اجتماعی گره خورده است



اعتراضات موج وار بازنشستگان تامین اجتماعی از سر گرفته شده اند. در این هفته حداقل ۶ تجمع از طرف بازنشستگان در شهرهای مختلف با خواست افزایش حقوق، پرداخت عیدی کامل و چند مطالبه صنفی دیگر برگزار شد. این اعتراضات نظر به سقوط ارزش حقوق ها، گرانی و تورم روز افزون و افزایش حقوقه کمتر از نرخ تورم گسترده تر خواهد شد.



دیدار جمعی از معلمان، بازنشستگان و فعالین کارگری با خانواده رضا شهابی

جمعی از فعالین صنفی چهارشنبه ۲۴ بهمن از خانواده رضا شهابی دیدار کردند. در این دیدار خانم ربابه رضایی همسر ایشان درباره آخرین وضعیت پرونده آقای شهابی، وضعیت سلامتی و پرونده پزشکی ایشان توضیحاتی ارائه دادند.

همچنین در ادامه این دیدار در رابطه با وضعیت دیگر اعضای زندانی سندیکای کارگران شرکت واحد، داود رضوی و حسن سعیدی و همچنین معلمان زندانی، جعفر ابراهیمی، رسول بدایق و کیوان مهدی، نویسنده و مترجم رسمی سندیکا، نیز صحبت و با توجه به آزادیهای روزهای اخیر خواستار آزادی همه فعالین زندانی شدند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی، کارگران، معلمان، دانشجویان، فعالین زنان، فعالین جنبشهای رفع ستم و تبعیض ملی، جنسیتی، مذهبی ... و کلیه بازداشت شدگان اعتراضات جنبش سراسری زن، زندگی، آزادی در کشور می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
۲۴ بهمن ۱۴۰۱



دیدار جمعی از معلمان، بازنشستگان و فعالین کارگری با خانواده رضا شهابی جمعی از فعالین صنفی چهارشنبه ۲۶ بهمن از خانواده رضا شهابی دیدار کردند. در این دیدار خانم ربابه رضایی همسر ایشان درباره آخرین وضعیت پرونده آقای شهابی، وضعیت سلامتی و پرونده پزشکی ایشان توضیحاتی ارائه دادند. همچنین در ادامه این دیدار وضعیت دیگر اعضای زندانی سندیکای کارگران شرکت واحد، داود رضوی و حسن سعیدی و همچنین معلمان زندانی، جعفر ابراهیمی، رسول بدایق و کیوان مهتدی، نویسندگان و مترجم رسمی سندیکا، نیز صحبت و با توجه به آزادیهای روزهای اخیر خواستار آزادی همه فعالین زندانی شدند.



افزایش حقوق کارکنان شاغل و بازنشسته دولت ۲۶ درصد کمتر از نرخ رسمی تورم و تصویب آن در مجلس موجی از نارضایتی در میان کارکنان دولت ایجاد کرده و زمینه را برای وقوع اعتراضات در میان آنان تقویت نموده است. مجلس پیشنهاد ۲۰ درصد دولت را در این هفته تصویب کرد.

میلیون و ۹۲۰ هزار تومان حداقل حقوق در سال آینده / سقف خالص پرداختی؛ ۵۵ میلیون تومان ۷ میلیون و ۹۲۰ هزار تومان حداقل حقوق در سال آینده / سقف خالص پرداختی؛ ۵۵ میلیون تومان ۷ سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ با بیان این که «حداقل حقوق در سال آینده هفت میلیون و ۹۲۰ هزار تومان است»، گفت که در سال آینده بیشترین حقوق خالص دریافتی ۵۵ میلیون تومان تعیین شد که پرداخت مازاد بر این مبلغ تحت هر عنوانی ممنوع است از روزنامه انتخاب

!منشور ۲۰ شکل صنفی و مدنی، دموکراتیک و رهگشاست



حزب چپ ایران (فدائیان خلق)



هئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

تشکل صنفی و مدنی که سال‌هاست برای آزادی و برابری، رفع هر نوع تبعیض، بی عدالتی و علیه ۲۰ فساد، دیکتاتوری و سرکوب، مبارزه‌ی پیگیرانه‌ای را پیش برده و بسیاری از فعالان این تشکل‌ها به‌خاطر فعالیت‌های خود محرومیت‌های مختلفی را متحمل شده‌اند، منشور دموکراتیکی را منتشر نموده‌اند و خواست‌های عمومی مردم را مطرح کرده‌اند، اقدامی که در نوع خود از هر لحاظ کم نظیر است.

در این منشور پس از تشریح و تحلیل شیرازه‌ی گسیخته‌ی کشور، بر حضور و نقش جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی»، تأکید می‌شود که این جنبش «برآن است تا برای همیشه به شکل‌گیری هرگونه قدرت از بالا پایان دهد و سر آغاز انقلابی اجتماعی و مدرن و انسانی برای رهایی مردم از همه اشکال ستم و تبعیض و استثمار و استبداد و دیکتاتوری باشد» و در ادامه، مفاد دوازده گانه‌ی پیرامون مطالبات گروه‌های اجتماعی مختلف ارائه می‌دهد که منافع و مطالبات همه‌ی گروه‌های انقلابی جامعه را بازتاب داده و می‌تواند محور اتحاد برای نیروهای مدنی عدالتخواه و برابری طلب در شرایط کنونی باشد.

این منشور توسط شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، شوراهای بازنشستگان، تشکل‌های دانشجویی، دانش آموزان، کانون مدافعان حقوق بشر، نهادهای مدافع حقوق زنان و ... صادر شده است.

نهادهای و تشکل‌های امضا کننده در کنار دیگر نهادهای مشابه، از ستون‌های مهم مبارزه و مقاومت مدنی در برابر جمهوری اسلامی و دفاع از حقوق مردم در برخورداری از زندگی شایسته در کشور ما هستند. در قسمتی از این منشور آمده است که:

ما تشکل‌ها و نهادهای صنفی و مدنی امضا کننده این منشور با تمرکز بر اتحاد و به هم پیوستگی «جنبش‌های اجتماعی و مطالباتی و تمرکز بر مبارزه برای پایان دادن به وضعیت ضد انسانی و ویرانگر موجود، تحقق خواست‌های حداقلی زیر را به مثابه اولین فرامین و نتیجه‌ی اعتراضات بنیادین مردم ایران، یگانه راه پی افکنی ساختمان جامعه‌ای نوین و مدرن و انسانی در کشور می‌دانیم و از همه انسان‌های شریف که دل درگرو آزادی و برابری و رهایی دارند می‌خواهیم از کارخانه تا دانشگاه و مدارس و محلات تا صحنه‌ی جهانی پرچم این مطالبات حداقلی را بر بلندای قله رفیع آزادیخواهی بر افراشته دارند

در ۱۲ بند این منشور مطالبات و خواست‌های مهم مبارزات مدنی در لحظه‌ی کنونی آمده‌است، از جمله: آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه‌ی زندانیان سیاسی؛ آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، حزب، تشکل، اجتماعات، اعتصاب، راهپیمایی، لغو فوری صدور و اجرای هر نوع مجازات مرگ، اعدام، قصاص و ممنوعیت هر قسم شکنجه‌ی روحی و جسمی، اعلام بلادرنگ برابری کامل حقوق زنان با مردان در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی، به رسمیت شناختن جامعه‌ی رنگین کمانی "ال‌جی‌بی‌تی‌کیو‌ای‌ای‌پلاس"، تلقی مذهب به عنوان امر خصوصی، تأمین ایمنی کار، امنیت شغلی و افزایش فوری حقوق کارگران، معلمان، کارمندان و همه زحمتکش‌ان شاغل و بازنشسته با حضور و دخالت و توافق نماینده‌های منتخب تشکل‌های مستقل و سراسری آنان، ممنوعیت کار کودکان و تأمین زندگی و آموزش آنان، امحاء قوانین و هر گونه نگرش مبتنی بر تبعیض و ستم ملی و مذهبی، بر چیده شدن ارگان‌های سرکوب، محدود کردن اختیارات دولت، مصادره‌ی اموال همه‌ی اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهای دولتی و شبه دولتی، پایان دادن به تخریب‌های زیست محیطی، عادی سازی



روابط خارجی در بالاترین سطوح با همه‌ی کشورهای جهان بر مبنای روابطی عادلانه و احترام متقابل، ممنوعیت دستیابی به سلاح اتمی و تلاش برای صلح جهانی

حزب چپ ایران فدائیان خلق ضمن تقدیر از همبستگی، همت و احساس مسئولیت به موقع تشکلهای بیست گانه، ارائه‌ی منشور را گامی مهم در هم پیوندی گروه‌های مختلف اجتماعی حول خواست‌های دوازده گانه و در راستای گذار از جمهوری اسلامی می‌داند و امیدوار است این هم پیوندی تداوم و گسترش یابد و به یک قطب موثر در تحولات سیاسی کشور فراروید. ما با پشتیبانی از منشور ۱۲ ماده‌ای به سهم خود دوش به دوش تشکلهای مستقل ارائه دهنده‌ی منشور برای تحقق آن تلاش خواهیم کرد

هیئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

۲۷ بهمن ۱۴۰۱ - ۱۶ فوریه ۲۰۲۳



***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>